

پیروزی کارگران در گرو مبارزه ای متحد و هماهنگ



حسین مرادیگی

رهبران و فعالین کارگری در آن سالها، نوشتن قانون کار در "باب اجاره"، خارج کردن کارگاههای با ۵ کارگر و کمتر از شمول قانون کار جمهوری اسلامی، در پیش گرفتن سیاست اخراج و بیکار سازی ها در ابعاد وسیع از جمله سیاستهای ضد کارگری ای بوده اند که جمهوری اسلامی در ۲۵ سال گذشته بعنوان مختلف قدم به قدم آن را علیه طبقه کارگر در ایران مورد اجراء گذاشته است. این سیاست در یک دوره در متن سرکوب انقلاب در سراسر ایران، بعدها در خدمت ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و در دوره بعد از جنگ نیز با

حمله به طبقه کارگر و معیشت خانواده های کارگری به قدمت خود جمهوری اسلامی است. تیراندازی به کارگران بیکار در ۱۷ اسفند ماه ۵۷ در اصفهان، حمله به شوراهای کارگری و به

ایام میوه چینی بلر و خامنه‌ای

ایرج فرزاد

در جهانی که میخواهند ما را به زندگی در ترور و وحشت عادت دهند، ناظمین و سرکردگان این دوران سیاه را نیز میخواهند بعنوان دولتمرد و سیاستمدار، آنهم از نوع مدبر آن، به ما تحمیل کنند.

آقای تونی بلر نخست وزیر انگلیس گفته است دارند میوه های شیرین کاری های توحش رژیم خود و جناب بوش و کشت و شخم و زیر و رو کردن کل جامعه عراق، را در ایران "اسلامی" میچینند. منظورشان این بود که با ویران کردن اساس شیرازه مدنی و شالوده اقتصادی جامعه عراق و تبدیل آن به میدان جولان انواع باندهای تروریست اسلامی و بقایای رژیم بعث، رژیم اسلامی را وادار کردند که از دستیابی به سلاح اتمی کوتاه بیاید و پروتکل الحاقی آژانس انرژی اتمی را امضا کند.

"رهبر معظم انقلاب"، جناب آیت الله خامنه ای نیز در جلسه روز یکشنبه این هفته با سران سه قوه و رئیس مصلحت نظام و مسئولین عالیرتبه امنیتی و انتظامی گفتند که امضای پروتکل از جانب جمهوری اسلامی، "اجماع صهیونیستها و آمریکا و دشمنان" را در برابر رژیم اسلام به شکست کشاند و تهدید کردند چنانچه "زیاده خواهی کنند"، و به "ارزشهای نظام" لطمه ای وارد شود، "بدون هیچ تردیدی این دنیای جالبی را برایمان ترسیم کرده‌اند، مگر نه؟ میخواهند بگیرند به این نظم و مقررات

صفحه ۲



**اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.**

منصور حکمت

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۴ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹
به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

در حاشیه اهداف جایزه نوبل

عبدالله دارابی

صفحه ۳

ایسکرای ویژه بزودی منتشر میشود

شماره ویژه ایسکرا به یک نوشته سیاسی و تاریخی مهمی از منصور حکمت اختصاص پیدا میکند که برای اولین بار اخیراً توسط سایت بنیاد منصور حکمت منتشر شده است.

نوشته "ملاحظات بر سند جمع‌بندی از بحث ارزیابی ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات" نقدیست بر سندی از کمیته مرکزی وقت کومله در تحلیل و ارزیابی ۵ ماه جنگ حزب دمکرات و کومله. این نوشته نگرش منصور حکمت را در نقد و تمایز با نگرش ناسیونالیستی در برخورد به جنگ حزب دمکرات و کومله را نشان میدهد. منصور حکمت در این نوشته ضمن پافشاری بر حقانیت کومله در پاسخ گویی به تعرض نظامی حزب دمکرات با درکی عمیق و مسئولانه سیاست فرعی کردن و نهایتاً پایان دادن به این جنگ را ترسیم میکند.

شما را به مطالعه این سند باارزش و ضمام آن در ایسکرای ویژه که به زودی منتشر میشود جلب میکنیم.

اطلاعیه کمیته
تشکیلات کل کشور:

به فعالین و دستداران
حزب کمونیست کارگری
ایران

در کنگره ۴ حزب
فعالانه دخالت کنید!

صفحه ۴

از خمینی تا
دوم خرداد
و کمیته
صلح نوبل

عبدالله کهنه پوشی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

◀ ایام میوه چینی بلر و خامنه‌ای

(ادامه از صفحه ۱)

ما تمکین کنید، مرعوبمان شوید، اگر نه همان کاری را می‌کنیم که در عراق کردیم و در فلسطین مشغول آنیم، می‌گویند بگذارید رژیم اسلامی با ۲۵ سال سابقه ترور و آدم کشی، هزاران کارگر را به گرسنگی بکشاند، دهها هزار کودک را روانه خیابانها کند، دختران جوان و زنان آن جامعه را برای امرار معاش به تن فروشی بکشاند، بگذارید مشتی جنایتکار و طفیلی اسلامی اموال و ثروت آن جامعه را تاراج کنند و به حاکمیتشان ادامه دهند و جامعه را در مرز سقوط به فلاکت و تباهی در دست جنایتکاران اسلامی نگاه داریم، بگذارید دست این رژیم برای منفجر کردن مهد کودک و مدرسه و مردم در صف اتوبوس و مراکز خرید در اسرائیل باز باشد تا تروریسم شارون و حمایت دول معظم غرب از تروریسم دولتی و نفی جنایتکارانه حق مردم فلسطین برای داشتن کشور و دولت خود، مشروعیت داشته باشد، اگر نه وضع را با نمونه جلو چشمان، عراق، بدتر می‌کنیم. بگذارید "میوه" جنایات خود را بچینیم و شما را عادت دهیم که در فضای ترور و وحشت زندگی کنید، خواهان تغییر رژیم تان نباشید، به فلاکت تن دهید و شکر گزار باشید که سیاست عراقیزه کردن ایران را با قدری رام شدن رژیم اسلامی فعلا بایگانی کرده ایم. اما جهان را فقط تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی و سیاست زیر و رو کردن هر نشانی از آدمیت و مدنیت با بمب و تبدیل جامعه به صحنه رقابتها و انتقام جوییهای خونین قومی و اسلامی و فاشیستی نباید ترسیم کند. جهان متمدن در تظاهراتها و راهپیمائیهای میلیونی در جریان جنگ علیه عراق نشان داد که نمیخواهد به این سیاست ترور و وحشت تسلیم شود و مرعوب آن گردد. مردم ایران رژیم اسلامی را نمیخواهند، نمیخواهند با تهدید دست بردن این رژیم ترور اسلامی به سلاح اتمی و یا معامله و بده و بستان با تروریسم دولتی و کارگزاران سیاست عراقیزه کردن جوامع، از خواست خود برای رسیدن به یک زندگی خوشبخت، عاری از سلطه باندسیاهیهای اسلامی، دست بردارند.

نه! ما را نمیتوانید مرعوب کنید و نمیتوانید ما را به فضای خفقان و ترور و وحشت عادت دهید، نمیتوانید ما را شکر گزار و سپاسگزار خود نمائید که با عقب نشینی های جزئی و تحمیلی تان بر اثر شکست و درماندگی از عواقب سیاست عراقیزه کردن پریزیدنت بوش و بلر، به شما و امثال حکومت اسلامی و باندهای آنها در خاورمیانه و فلسطین و هر گوشه دیگر این جهان، تعظیم کنیم. ما انسانیم و دنیای شایسته خود را میخواهیم. مرعوبتان نخواهیم شد و رژیم ترور اسلامی را در ایران بزیر میکشیم. تلاش شما برای عادت دادن ما به قبول سلطه رژیم اسلامی بیهوده است. میوه شیرین کاری هایتان در عراق را نخواهید چید.

کمونیسم کارگری در ورای سازش و بند و بست ها برای حفظ "ارزشهای اسلامی"، رژیم یک مشت اراذل اسلامی را به همت و تکیه بر اراده مردم ایران از صحنه خاورمیانه جارو خواهد کرد. □

از خمینی تا...

(ادامه از صفحه ۴)

نبوده است. با این جایزه او را شوکه کردند، خودش را لایق این همه مهر و لطف هم نمی دانست و به نظر خودش می بایست به جای او جایزه را به خاتمی می دادند. خاتمی کاندید او بود چون بیشتر از خانم عبادی در این راه تلاش کرده است. اما قبولاندن همزیستی با رژیم اسلامی و یا نوع اصلاح شده و خوش خیم آن ب مردم ایران امکان پذیر نیست و باید اینها را یک بیک به سر نوشت دوم خرداد و کنفرانس برلین دچار و رسوا کرد. این جشن زودگذر و مراسم اتحاد و ائتلاف لشکر پریشان نجات رژیم اسلامی از سقوط و فروپاشی را حزب کمونیست کارگری ایران بر هم زد. فرصت سوسوی نوری دیگر در انتهای تونل رژیم ترور و وحشت و فلاکت بر مردم ایران میروید که برای همیشه از دست برود. نوامبر ۲۰۰۳

◀ پیروزی کارگران در گرو...

خود به طبقه کارگر بر نمی دارد. این حکومت فاسد حاضر نیست حتی یک روز هم جلو لفت و لیس امامان و حجج اسلام و دیگر اوباش اسلامی را که خون این مردم را در شیشه کرده اند، بگیرد اما یک لحظه هم از یورش به معیشت و زندگی بخور و نمیر کارگران و خانواده های کارگری و دیگر مردم محروم غافل نمی ماند. رژیم اسلامی ظاهرا راه "نجات" خود و سرمایه داری ایران را در ادامه تعرض بیرحمانه به کارگران و خم کردن کمر طبقه کارگر زیر فشار فقر و فلاکت و بیکاری و بیکاری سازها دیده است. طبقه کارگر هم باید به این حکومت فاسد از این بیشتر مجال ندهد، باید در مقابل آن بایستد و برای سرنگون کردن آن وارد میدان شود. جز این راهی نیست، ادامه شرایط فعلی یعنی تباهی جسمی و روحی هرچه بیشتر طبقه کارگر و دیگر مردم محروم. کارگران و رهبران کارگری بویژه در صنایع کلیدی باید برای پیشبرد یک مبارزه هماهنگ و متحد علیه جمهوری اسلامی قد علم کنند، باید از مبارزه کارگران پتروشیمی و کارگران دیگر واحدهای تولیدی و مراکز کار برای احقاق حق و حقوق خود حمایت و پشتیبانی کنند، رهبران و فعالین کارگری هرطور شده باید دست در دست هم بگذارند. زمان اکنون به نفع طبقه کارگر است، جمهوری اسلامی در دریائی از فشار مردم معترض محاصره شده است، صفوفش از هر زمان درهم ریخته تر است، باید متشکل شد، باید سازمان داد و متحد علیه جمهوری اسلامی وارد میدان کرد. مبارزه هماهنگ کارگران یقینا حمایت بیدریغ دیگر مردم محروم و آزادیخواه ایران را بدنبال خواهد داشت، بار دیگر سرها بطرف طبقه کارگر و رهبران و فعالین کارگری بر خواهد گشت بویژه که اکنون طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک دنیای بهتر، ستاد رهبری خود حزب کمونیست کارگری ایران را بعنوان حزبی قدرتمند در صحنه سیاسی ایران در پیشاپیش خود دارد.

۳ نوامبر ۲۰۰۳

طرحهای "بازسازی" و واگذاری صنایع تولیدی به بخش خصوصی نیز که رژیم اسلامی در این دوره در واقع با آن سیاست ضد کارگری خود را به پیش برده است، در بیشتر موارد بهانه ای بوده است در خدمت این سیاست و در عین حال در خدمت منحرف کردن کارگران از مبارزه مستقیم علیه جمهوری اسلامی به این بهانه. این طرحها در اکثر موارد به بستن و تعطیلی مراکز کار انجامیده است و با هر مرحله از اجرای آن، بخش قابل توجهی از کارگران به صف بیکاران و در نتیجه به دامن بی رحم فقر و فلاکتی که جامعه ایران را فراگرفته است پرتاب شده و پرتاب میشوند. رژیم اسلامی بخشهایی از صنایع را که ظاهرا سود آور نیستند، تحت نام واگذاری به بخش خصوصی و یا به بهانه کمبود وسایل یدکی به تدریج تعطیل میکند و کارگران آن را از راه اخراج و بیکارسازی اجباری بدون دادن بیمه بیکاری مکفی تا پیدا کردن کار، دست خالی در جامعه رها میکند. بخش باقی مانده را نیز زیر بار تهدید اخراج و بیکارسازی به کار شاق و طاقت فرسا و شرایط برده وارد ناظر بر کار در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی وامیدارد، تا شاید فرجی برای نجات جمهوری اسلامی از این بحران پیدا شود. مشکل کارگران، اما، در مقابله با سیاستهای ضد کارگری رژیم اسلامی در این مدت در عدم اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی در جریان اجرای این سیاستها نبوده و نیست، کارگران مراکز کاری که مشمول این سیاست و یا دیگر سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی قرار گرفته و قرار میگیرند، بویژه در چند سال اخیر به شیوه های مختلفی مدام و عمدتا با جمهوری اسلامی درگیر بوده اند. مشکل، در درجه اول در عدم تشکل و در درجه دوم در شرایط فعلی کم توجهی رهبران و فعالین کارگری بویژه در صنایع کلیدی به پیشبرد یک مبارزه هماهنگ و متحد، هرچند نه الزاما همزمان، علیه جمهوری اسلامی است، کمبودی که کارگران بویژه در این دوره از آن بشدت رنج

برده اند. کارگران در دوره هائی مثلا دوره مبارزه و اعتراض علیه قانون کار جمهوری اسلامی و یا در موارد دیگری با مبارزه متحدانه خود توانسته اند که جمهوری اسلامی را در پیشبرد سیاستهای ضد کارگری خود به عقب برانند. در غیاب تشکل و یا پیشبرد یک مبارزه هماهنگ و متحد، ممکن است یکی دو جا نیز بتوان جمهوری اسلامی را عقب راند که قطعاً باید این کار را کرد، اما انتظار اینکه رژیم را در پیشبرد سیاست عمومی اش به عقب راند نمیتوان داشت. کارگران تنها با حرکت هماهنگ و جمعی خود توانسته و میتوانند جمهوری اسلامی را در پیشبرد سیاست عمومی اش علیه طبقه کارگر به عقب برانند. مثلا کارگران پتروشیمی خارک نباید منتظر بمانند که جمهوری اسلامی اول سراغ کارگران پتروشیمی اراک و سپس سراغ کارگران در پتروشیمی اصفهان برود تا بعدا بسراغ آنان بیاید و آنان نیز ناچار از عکس العمل در مقابل یورش رژیم اسلامی شوند. یا کارگران و فعالین کارگری در صنعت نفت و دیگر صنایع کلیدی نمیبایستی منتظر می ماندند که جمهوری اسلامی بعد از اتمام اخراج و بیکار سازی وسیع کارگران نساجی و ندادن حقوق معوقه آنان سراغ کارگران نفت و اکنون نیز سراغ کارگران پتروشیمی بیاید تا خود نیز ناچار از عکس العمل شوند. یورش جمهوری اسلامی به کارگران در شکل اخراج و بیکارسازها را هر رهبر کارگری ای نمیتوانست حدس بزند که تنها به کارگران نساجی و دیگر مراکز تولیدی کوچک تر محدود نمی ماند و دامن صنایع بزرگتر و حتی کلیدی را هم میگریفت. در آن دوره ما مرتب در این مورد هشدار دادیم و بارها کارگران صنایع کلیدی را به حمایت از کارگران نساجی و دیگر کارگرانی که جمهوری اسلامی از پرداخت حقوق معوقه آنان خودداری میکرد، فراخواندیم. جمهوری اسلامی برای مقابله با رکود و بحرانی که سرمایه داری ایران را فراگرفته است، بدون ملاحظه حتی در شرایطی که دارد نفسهای آخر را میکشد دست از یورش

در حاشیه اهداف جایزه نوبل

سناریو جدید!



عبدالله دارابی

چنانچه میدانیم سیاست ناظر بر جایزه صلح نوبل امسال، اساسا بدنبال ناامیدی از ته کشیدن "جبهه" رنگارنگ "اصلاحات" خاتمی و یاران حکومتی و غیر حکومتی او، و ناکام ماندن پروژه سلطنت طلبان اتخاذ گردید. این شکست و ناکامی در نهایت، کمیته نوبل و اتحاد اروپا را وا داشت تا با دمیدن روح تازه تری در کالبدی نیمه جان و در سراسیمگی فردپاشی "جنبش اصلاحات" رژیم اسلامی، راست پرو غرب و شکست خوردگان ملی-اسلامی را از تشتت و پراکندگی کنونی رها سازد و آنها را زیر چتر واحدی گرد هم آورد. این چتر و این پرچم دست شیرین عبادی داده شد تا آنرا بمردم بفروشد.

دوران خاتمی است، چون خود عبادی هم خاتمی را لایق تر از خود دانسته و جایزه نوبل را شایسته او میدانند. خواستند به چشم مردم خاک بپاشند، اما چون جایزه به شیرین عبادی از چهار چوب این بازی سیاسی خارج نیست، بسیار سریع تر از قبیل و قال طیفهای سابقا دو خردادی و یاران جدیدشان ره به جایی نبردند. بنابراین مستقل از اینکه اهدا جایزه صلح نوبل همواره ابزاری سیاسی در بلوک بندیهای سیاسی بوده است و اساسا میراث دوران جنگ سرد و سلاح فشار به بلوک مقابل جهان "آزاد" غرب بوده است، مضافا از بدو تأسیس این نهاد تا به امروز، انسانهای لایق و مشهور فراوان در عرصه حمایت از حقوق زن و کودک وجود داشته و دارند که حتی یک ثانیه هم ذهن و مخیله این ارگان به اصطلاح "صلح دوست" را بخود مشغول نکرده و هیچ گاه دفاع واقعی از زن و کودک و بشر دوستی معیار و مبنای این کمیته نوبل نبوده است. از آن گذشته، برخلاف ادعاهای این کمیته، طی ۲۵ سال اخیر خود اتحادیه اروپا، جدی ترین و عمده ترین حامی و پشتیبان این رژیم ضد کودک و زن ستیز و آدمکش بوده است.

امروز این واقعیت برای عموم روشن است که علم کردن شیرین عبادی یک اقدام سیاسی در جهت یک هدف خاص و معین در ایران امروز است. رژیم اسلامی در آستانه سقوط است و تلاش برای ابقا رژیم در برابر مردمی بجان آمده و تقلا برای آلترناتیو سازی بعد از رژیم هم ضرورتش ده چندان شده است. خاصیت شیرین عبادی هم، بعنوان یک وکیل زن اما "مسلمان" و معتقد به "اسلامی" بودن جامعه ایران، همینجا معنی پیدا میکند. موضع و جهت گیری های اخیر عبادی

اهداف شوم خود نزدیک شود و هیچ جناح و جبهه ای از رژیم بر سر قدرت باقی بمانند. مردم خواست سرنگونی رژیم را با هزار و یک زبان به اطلاع جهانیان رسانده اند، بنابراین هیچ سناریو دیگری غیر از حاکمیت واقعی خود مردم، قادر به جایگزینی رژیم اسلامی نخواهد بود. واضح است که تفسیر و تعبیر "جدید" شیرین عبادی از تفاسیر حاکمان جنایتکار از قرآن و آشتی دادن آن با حقوق انسان، تعریف و تمجید او از مجلس جنایتکار جمهوری اسلامی به عنوان نویدگر دمکراسی در ایران و همچنین تعریف و تمجید او از اسلام به عنوان دین ضد خشونت و ضد ترور و ... هیچکدام مردم هوشیار و تشنه آزادی و برابری ایران را فریب نمیدهد و به غیر از شرمساری و رسوایی، چیز دیگری عایدشان نخواهد نشد.

اپوزسیون راست!

جا دارد صریح تر و بی پرده تر به این جبهه اسلام دوست و استثمار طلب گفته شود: اسلام نرم تر و خوشخیم تر بویژه از آن نوعی که دست به قدرت سیاسی میبرد، با کارنامه ۲۵ سال جمهوری اسلامی و توحش جریانات اسلام سیاسی در گوشه و کنار جهان، مطلقا وجود خارجی ندارد. سیاست بهره کشی و استثمار اکثریت جامعه توسط عده ای سرمایه دار، این بار قدری بیشتر "ایرانی" و با چاشنی اسلام قدری رام شده و سرزیر، را با توجه به کارنامه واقعی و خونین "اسلام راستین" و "مردم سالاری" و ... رنگ آمیزی نکنید. طی ۲۵ سال اخیر مردم ایران اسلام و قوانین اسلامی را نه در وعظهای ملایان و آخوندها و روضه خوانهای جیره بگیر دربار و ساواک، که در جداسازی و آپارتاید جنسی، در سنگسارها و قصاصها و در مراسم شقاوتهای اسلامی و قتل عامها و اعدامها و نسل کشیها همراه باتلاوت آیات "رحمت" قرآن تجربه کرده اند. تلاش برای خارج کردن اسلام سیاسی از تعرض مردم خشمگین ایران، و تقلا برای روتوش اسلام سیاسی و

معرفی آن بعنوان اسلام سربراه و حقوق بشری به منظور استفاده دگر باره از آن برای حکومت کردن بر مردم و حفظ خرافه پرستی و سلاح تحمیق و سرکوب، یک تلاش ارتجاعی شکست خورده است. لابد فراموش نکرده اید که خود شما اپوزسیون محترم راست پرو غرب، شش سال تمام در مدح و ثنای خاتمی گفتید، نوشتید و شعر خواندید و هلهله سر دادید؟! یادتان رفته است که مجلس اسلامی را و اعضا آنرا "مجلس برگزیده خودمان" و "نمایندگان خودمان" نامیدید؟ آیا عجیب است سوابق موضع دفاع از "بانوی ایران اسلامی" تان را از شیرین عبادی رد یابی کرد؟

شکست زودرس پروژه سیاسی جایزه صلح نوبل به یک "بانوی مسلمان و غیر حکومتی ایران اسلامی"، و به تبع آن شکست سریع تلاش برای ترمیم و دکوراسیون ناشیانه ۲۵ سال جنایت رژیم اسلامی ایران از طریق معرفی چهره حقوق بشر اسلامی از اسلام سیاسی، در واقع به بن بست رسیدن آخرین تلاشها برای حک و اصلاح رژیم اسلامی و مراحل پایانی شکست تقلا و دست و پا زدنها برای حفظ و بقای رژیم اسلامی و نیز فروریختن آلترناتیو سازیهای همیشگی دولتهای غرب در مقابل اراده مردم ایران برای بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی و قطع کردن یکباره دست اسلام سیاسی برای چنگ زدن دوباره به قدرت است.

مردم به این آلترناتیوها میدان نمیدهند و به غیر سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و برابری و رفاه، به هیچ چیز دیگری رضایت نمیدهند. حزب کمونیست کارگری مردم ایران را شایسته زندگی در یک جامعه آزاد و برابر و خوشبخت و سکولار و مدرن و مرفه و پیشرو میدانند. این حزب اجازه نمیدهد، سرنوشت مردم ایران قربانی سناریوهای ارتجاعی و آلترناتیو سازیهای دول غرب شود.

اول نوامبر ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه کمیته تشکیلات کل کشور حزب کمونیست کارگری ایران به فعالین و دوستداران حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره ۴ حزب فعالانه دخالت کنید!

رفقای عزیز، فعالین و دوستداران حزب کمونیست کارگری در ایران

اطلاع دارید که کنگره ۴ حزب در ماه دسامبر (آذر ماه) و علنی برگزار میشود. این کنگره در شرایط سیاسی امروز نمایی از قدرت طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در ایران است. هم اکنون جنبش برای سرنگونی رژیم اسلامی هر روز قویتر و رادیکال تر و با پرچم چپ در حرکت است. کمونیسم کارگری در همه مبارزات و در همه عرصه های این نبرد حضور فعالی داشته است و حزب تنها امید زنده نگاه داشتن و برافراشته نگاه داشتن پرچم آزادی خواهی و برابری طلبی است. نقش شما در این کارزار هر روز بیش از پیش خود را نمایان کرده است و عامل مهمی در چفت کردن حزب و جنبش کمونیسم کارگری با این مبارزات و جامعه است. علیرغم همه محدودیت هایی که بدلائیل امنیتی حضور شما را محدود میکند، اما کنگره میتواند و باید پیام و نظرات شما را بشنود.

همه میدانید که به دلیل امنیتی، انتخابات برای تعیین نماینده جهت شرکت در کنگره در تشکیلات داخل کشور حزب انجام نگرفت و از همین رو تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای حزب که مبیایست در این کنگره شرکت داشته باشند در کنگره چهارم حضور ندارند. اما دخالت شما در کنگره به اشکال دیگری ممکن است. ما وظیفه خود میدانیم که فضای بیشتری برای دخالت شما در کنگره حزب فراهم کنیم. بنابراین از شما میخواهیم بحثها، نظرات، راه حل ها و پیشنهادات خود را در اختیار کنگره بگذارید.

رفقای عزیز! رهبران و فعالین مبارزات کارگران، زنان مبارز و برابری طلب، معلمان کمونیست، رهبران و فعالین کمونیست در دانشگاهها و همه کمونیستهایی که برای رهایی و برابری و سوسیالیسم نبرد میکنند، شما را فرامیخوانیم که با ارسال پیام و ابراز نظرات و توقعات خود کنگره ۴ حزب را هر چه قدرتمندتر و پر بارتر کنید.

برای ما بنویسید که انتظار و توقع شما از این مجمع بزرگ که به امر سیاست گذاری برای آینده حزب میپردازد چیست. قرار گرفتن در راس جنبش برای سرنگونی رژیم و رهبری انقلاب امر ماست. چه پیامی برای کنگره در شرایط خطیر سیاسی امروز دارید؟

فکر میکنید که کنگره به کدام مسایل مهمی که در برابر مبارزه امروز کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و همه مردم مبارز قرار دارد باید پاسخ بدهد؟

نامه های خود را بهر طریق ممکن و از هم اکنون و تحت عنوان _ برای کنگره ۴ _ به ما برسانید.

نامه و پیامهای دریافتی شما در رسانه های حزب منتشر خواهد شد و در اختیار کنگره قرار خواهد گرفت.

اسد گلچینی

از طرف

کمیته تشکیلات کل کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آبان ۱۳۸۲

۲۳ اکتبر ۲۰۰۳

از خمینی تا دوم خرداد و کمیته صلح نوبل

عبدالله کهنه پوشی

را از حجره های نجف و کربلا که به روضه خوانی و نوشتن روش طهارت و نماز و توضیح المسائل مشغول بود بیرون آوردند، او را به پاریس بردند، زیر درخت سیب نشانند، عکسش را در ماه نشانمان دادند و مطابق با پروژه خود او رهبر قلمداد کردند و به مردم قالبش کردند در صورتیکه نه من و نه خیلی از شماها و نه اکثریت مردم ایران حتی اسمش را نشنیده بودیم. امروز همین طیف سیاسی و اکثریت همین شخصیتها که کارناوال شادی برای خانم عبادی راه انداخته اند یا اساسا لیبیک گویان خمینی بودند و یا در یک پیروسه دگردیسی و استحاله "دگردانیداشانه" به چهره "اصلاح شده" همان چهره مخوف تسلیم شدند و فراخوان به تسلیم دادند. این طیف در حمله رژیم به کردستان، در قتل عام زندانیان سیاسی در خرداد ۶۰، در حمله به سفارت امریکا، در جنگ با عراق، در حمله به دانشگاهها بنام انقلاب فرهنگی، در قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷، جزء همکاران رژیم در نقش وکیل، قاضی، بازجو، و شکنجه گر، پاسدار و همکار اطلاعات در بدام انداختن کمونیستها بودند و خیل تازه وارد به قافله، منادیان نفرت از انقلاب و سرنگونی رژیم و شوالیه های "جنبش اصلاحات" شدند.

آیا این دولتهای غربی در ترورهای فعالین سیاسی خارج کشور، در ترور میکونوس، قتلهای زنجیره ای و موج اعدامهای همین دوره دوزخدایها، ادعای دفاع از حقوق بشر خود را فراموش کرده بودند؟ اما مردم تجارب گرانبهائی را در این گیسو دار، هر چند به بهائی گراف، بدست آورده اند. باید این آمادگی را داشته باشند تا نقطه سازشهایی که برای قبولاندن رژیم اسلامی اصلاح شده و این غده سرطانی که دولتهای غربی و جمع ملی مذهبیها قدم به قدم در جلوشان قرار می دهند نپذیرند.

دولتهای غربی قبل از خانم عبادی در خدمتگذاری به اسلام زیر لوای نسبییت فرهنگی تلاش زیادی کردند، در بدر بدنبال آخوند معتدل بودند، از رفسنجانی تا خاتمی، می خواستند در باره عکس آخوند منتظری را در ماه نشانمان بدهند و این اواخر دست بدامان نوه امام، از اهل بیت هم شدند.

جایزه صلح نوبل را به خانم عبادی دادند در حالیکه ایشان ادعای هیچگونه تلاشی در راه صلح نداشت و فعال چنین عرصه ای

سر خواستها و مطالباتشان از یک سو و رژیم جمهوری اسلامی و کل حامیانش از سوی دیگر. این جنگ ۲۵ سال است در مقابل رژیم کثیف اسلامی بصورت نهان و آشکار جریان دارد که کل طیف قدیم و جدید حفظ رژیم و یا "اصلاح" آن در تمام این سالها عوامفریبانه مشغول پرده پوشی و انکار آن بوده اند. انتخاب خانم عبادی در عین اینکه اذعان به شکست پروژه دوم خردادهاست، تلاشی توطئه گرانه برای قالب کردن اسلام تعدیل شده و "دمکراتیک" به مردم و به خانه فرستادن آنها است. این جایزه امتداد برنامه رسوای غرب و جمهوری اسلامی است که در کنفرانس برلین توسط فعالین حزب کمونیست کارگری و دیگر آزادخواهان به شکست انجامید. صحنه گردانی و هیاهویی که حول این جایزه و خانم عبادی پیده بودند، توسط دخالت فعالانه حزب کمونیست کارگری ایران و رجزخوانیهای خود خانم عبادی در مدح جوانب "آزادبخش و حقوق بشری" اسلام و جمهوری اسلامی، بسرعت غیر قابل انتظاری به سرونوشت کنفرانس برلین دچار گردید.

هلهله و رقص و پایکوبی اپوزیسیون رنگارنگ طیف ملی مذهبی و راست پرو غرب، حول این جایزه برای گمراه کردن مردم و نجات اسلام و قدرت تطبیق آن با حقوق بشر تماشایی بود. البته باید حساب مردمی که فکر می کردند شاید این جایزه بتواند دریچه امیدی برویشان بگشاید و یا با این بهانه مبارزات عادلانه خود را گسترش دهند از سازمانها و اشخاصی که ریگی در کفش داشتند جدا نمود. غوغای هماهنگ اپوزسیون راست و «چپ» بر سر این جایزه از سر ضعف آگاهی و حماقت این جریانات نیست، ناشی از منافع مشترک مشرقانی و مصلحت روز آنها است.

باید برگهای بیشتری را ورق زد تا ماهیت و قصد و نیت جایزه دهندگان و به هوا پریدنها و هلهله های طیف ملی مذهبی ها روشنتر شود. همین غریبهای محترم طرفدار حقوق بشر در مقابل قیام آزادخواهان مردم ایران در سال ۵۷ و مهار انقلاب، خمینی

دولتهای غربی زمین لرزه ای را که در ایران در راه است حس کرده اند و در مقابل خطر انقلاب صف بسته اند و برای متوقف کردن آن دست بکار تعمیر ترمزها شده اند. دارند تجربه انقلاب ۵۷ را تکرار می کنند، میخواهند انقلاب مردم را متوقف کنند، بنظر می رسد کلاه گشادی را که در انقلاب ۵۷ بر سر مردم ایران گذاشتند دو باره آماده کرده اند. اما این بار به دلایلی نمی توانند به سادگی آن دوران، مردم را فریب دهند. مردم هم تجربه انقلاب ۵۷ را دارند، از سطح بالای آگاهی و دانش برخوردارند و سطح توقعشان از زندگی، بهره مندی از دستاوردهای قرن ۲۱ است. وجود حزب کمونیست کارگری ایران، حزبی با تجربه، قدرتمند، دارای برنامه روشن و با کادری روشن بین و دارای تجربه و دانش سیاسی بالا و با اعتماد بنفس، فاکتور دیگری به نفع مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی در ایران است.

دادن جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی حاوی پیام مهم و افشاگر حقایقی است که در ۲۵ سال گذشته کل طیف اپوزیسیون اعم از ملی مذهبی ها، اپوزیسیون بورژوازی همه رنگ، ودولتهای غربی برای انکار و پرده پوشی آن تلاش شبانه روزی نموده اند و در این راستا طرح و پروژه هایی در دستور گذاشته و به اجرا در آورده اند. جایزه صلح نوبل به خانم عبادی تحت عنوان الفاظ پر مطمراق صلح و حقوق بشر یکی از این پروژه ها است و آخرین آن نخواهد بود. باید منتظر بالماسکه های بیشتری از طرف آنها بود.

اما چرا جایزه صلح نوبل آنهم به خانم عبادی از ایران؟ خانم عبادی در بر پائی صلح در هیچ جنگی نقشی ایفا نموده و خود ایشان هم هیچگاه چنین ادعائی نداشته اند، پس چرا این جایزه به ایشان؟ دادن جایزه صلح به خانم عبادی به عنوان زن مسلمان نشان و اذعان به این حقیقت است که در ایران جنگی در جریان است، مابین کل مردم ایران، کارگران، زنان و جوانان علیه سلطه مذهب بر تمام شئون زندگی و علیه اسلام سیاسی بر